

پاسخ به مطالب آقای باهنر علیه نهضت مندرج در نشریه انتخاب

سر دبیر و مدیرمسئول محترم روزنامه انتخاب

با سلام و آرزوی توفیق آن نشریه وزین در خدمت فرهنگی مهمی که بر عهده دارد، در شماره‌های مورخ هشتم و نهم مرداد ماه جاری آقای باهنر طی مصاحبه‌ای با خبرنگار آن نشریه مطالبی درباره «نهضت آزادی ایران» اظهار داشته‌اند که انتظار دارد مطابق حق و قانون پاسخ زیر را جهت اطلاع خوانندگان درج فرمایید.

آقای باهنر در مصاحبه خود گفته‌اند:

«من صراحتاً می‌گویم نهضت آزادی به حکومت اسلامی اعتقاد ندارد، قبل از انقلاب هم نداشت، سرانش اعتقاد نداشتند، الان هم ندارند... اگر هم الان مثلاً می‌گویم غیرخودی هستند، برای این است که این‌ها حکومت دینی را قبول ندارند... نهضت آزادی یک گروه غیرقانونی است، مبانی حکومت را قبول ندارد، امام را قبول نداشته است... قوانین موضوعه کشور نهضت آزادی را به رسمیت نمی‌شناسد.»

جهت اطلاع آقای باهنر و دیگر خوانندگانی که چه بسا از دیدگاه نهضت آزادی ایران در مقوله دین و سیاست یا دین و دولت بی‌اطلاع هستند نکات ذیل را یادآور می‌شود.

۱- شادروان مهندس مهدی بازرگان به عنوان دبیرکل نهضت آزادی ایران کتاب معروف «مرز میان دین و سیاست» را که اولین تبیین سیاسی - مذهبی در این مقوله در پنجاه سال اخیر در ایران بود در سال ۱۳۴۱ یعنی یک سال قبل از نهضت روحانیت و ورود جدی این طبقه به مبارزه و سیاست، در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ که نقطه عطفی به شمار می‌رود، پس از سخنرانی در کنگره انجمن‌های اسلامی ایران (در دوران طاغوت) تدوین و تقدیم جامعه کرد و در سال ۱۳۴۳ کتاب «بعثت و ایدئولوژی» را در زندان قصر به رشته تحریر درآورد. به این ترتیب قبل از تولد آقای باهنر توجه به این مساله و تبیین ابعاد پیچیده آن در دستور کار نهضت آزادی بوده است.

۲- اگر منظور آقای باهنر از حکومت دینی یا حکومت اسلامی، «ولایت مطلقه فقیه» است و اصرار دارند دین و اسلام را مساوی فقیه یا منحصر در فقه بگیرند، نهضت آزادی ایران نظریات انتقادی خود را در این مورد از ابعاد قرآنی، روایی، عقلی و سیاسی طی جزوه مفصلی در سال ۱۳۶۷، در زمان حیات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی منتشر نموده است. با این حال به دلیل تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی نهضت آزادی خود را ملتزم به آن در همان محدوده قانونی، هماهنگ با حقوق مصرحه ملت در اصول فصل‌های سوم و پنجم قانون اساسی می‌داند و همین دلیل به آن تمکین می‌نماید. جای شگفتی است وقتی در همه نظامات سیاسی قانون از شهروندان تنها التزام و تمکین نسبت به مصوبات قانونی را طلب می‌کند آقای باهنر به اتکای کدام یک از قوانین موضوعه «اعتقاد» را ملاک رسمیت و قانونی بودن یک حزب می‌شمارند؟

۳- نهضت آزادی ایران حکومت را از مقوله موضوعات (نه احکام) می‌شناسد که به انتخاب و اختیار اکثریت مردم گذاشته شده است و مطابق اصل قرآنی «شورا» امور آن برگزار می‌گردد. بدیهی است در کشوری که ۹۷ درصد مردم آن مسلمان هستند، تمایلات دینی مردم به طور طبیعی و در فرایند نظامات دموکراتیک در قوانین موضوعه مدنظر و مورد اجرا قرار می‌گیرد. ولی این امر هرگز حق ویژه‌ای برای طبقه‌ای که خود را متولی دین می‌دانند به وجود نمی‌آورد. البته نظارت تعداد معینی از عالمان دینی به عنوان کارشناس یا شورای نگهبان بر مصوبات نمایندگان مردم، از نظر انطباق با شریعت، در جامعه‌ای که دیانت از ارکان اصلی فرهنگ ملی آن به شمار می‌رود، مشروط بر آن که به مداخله عملی در سایر امور کشیده نشود، می‌تواند قابل توجیه باشد.

۴- به دلیل کثرت قرائت‌ها و برداشت‌ها از بسیاری از احکام و اعتقادات دینی، ضروری است دولت در جوامع اسلامی بی‌طرف و مستقل از منازعات دینی باشد تا موضعی مساوی و عادلانه در برابر همه شهروندان اتخاذ نماید، از این نظر مقامات و مسوولین اجرایی حق ندارند جز عمل به مصوبات قانونی قرائت و نظر ویژه خود را ملاک عمل قرار دهند.

۵- در یک جامعه اسلامی حکومت تنها برای اموری تشکیل می‌شود که امکان انجام آن‌ها به صورت فردی ممکن نیست و نیاز به ضمانت اجرایی و عامل قدرت دارد. امیرالمومنین علی(ع) که الگو و اسوه جاویدی برای یک حکومت اسلامی ایده‌ال، برای ما باقی گذاشته‌اند، این امور را در موارد مختلف از جمله در منشور حکومتی معروف به مالک اشتر در چهار موضوع ذیل خلاصه کرده‌اند:

۱- جمع‌آوری مالیات‌ها، ۲- دفاع در برابر دشمنان، ۳- عمران و آبادی شهرها، ۴- اصلاح امور مردم (قضاوت).

در سراسر این عهدنامه مفصل و جامع، هر چند از نظر فردی توصیه‌های اخلاقی و عبادی فراوان به شخص مالک اشتر فرموده، اما حتی یک جمله درباره وظیفه تبلیغ و ترویج دین یا پیاده کردن ارزش‌های اسلامی و محافظت از هویت دینی جامعه برای حکومت اسلامی قایل نشده است.

فلسفه این امر به نظر می‌رسد ناشی از تعارض میان دین، که امری قلبی و داوطلبانه است، با امر حکومت و دولت که متکی به قدرت و قوه مجریه است باشد. اصل قرآنی «لااکراه فی الدین» برای همیشه پای قدرت را از قلمرو اعتقادات قلبی بیرون می‌کشد تا هم ریاکاری و نفاق را در مردمی که هوای جذب قدرت دارند مانع شود و هم قدرتمندان را از استفاده ابزاری از اعتقادات مردم باز دارد.

۶- نهضت آزادی ایران به جمهوری اسلامی ایران رای داده و به رای خود وفادار و پایبند است، اما جمهوری اسلامی را معادل با حکومت یک قشر یا طبقه خاص نمی‌داند.

نهضت آزادی ایران با آن نوع «حکومت اسلامی» که دوستان همفکر آقای باهنر به عنوان جایگزین «جمهوری اسلامی» به مجمع تشخیص مصلحت پیشنهاد کردند و به بهانه حمایت از رکن اسلامیت نظام، درصدد تعطیل و حذف «جمهوریت» می‌باشند البته مخالف است و با توکل الهی در برابر آن می‌ایستد.

۷- برخلاف نظر آقای باهنر و دوستانشان، نهضت آزادی ایران بنا به نظر وزیر محترم کشور اگر چه به رسمیت نرسیده اما غیرقانونی نیست. اصل ۲۶ قانون اساسی با صراحت فعالیت احزاب را آزاد اعلام کرده است و قانون احزاب نیز فعالیت احزاب را مشروط به کسب مجوز از کمیسیون ماده ده نکرده است.

این کمیسیون که اکثریت اعضای آن را (۴ نفر از ۵ نفر) وابستگان به جریان راست تشکیل می‌دادند، با جانبداری خلاف قانون درخواست نهضت آزادی را رد کردند. قوه قضاییه نیز تا کنون، با وجود گذشت چندین سال، هنوز به شکایت نهضت آزادی ایران از کمیسیون ماده ده رسیدگی نکرده است. بنابراین برخلاف نظر آقای باهنر و همفکرانشان، این قوانین موضوعه نیستند که نهضت آزادی را به رسمیت نمی‌شناسند، بلکه جریان راست انحصارطلب است که نه به جمهوریت و نه به حقوق و آزادی اساسی ملت که در قانون اساسی تصریح شده است، اعتقادی ندارد.

روابط عمومی نهضت آزادی ایران